

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۷

فراگیری اسلام و فرجام ادیان در عصر ظهور

رضا مهدیان فر^۱

چکیده

پرسش از فرجام و پایان سیر و سفر درازانسان در عرصه زمین و گستره تاریخ، پرسابقه، پیشینه دار و ذاتی وجود بشر است. به همان سان که انسان از مبدأ می‌پرسد، از مقصد و پایان نیز پرسش می‌کند. از آن جا که بر پایه آموزه‌های آسمانی، حاکمیت در پایان تاریخ، حاکمیت دینی است، اساسی‌ترین سوالی که رخ می‌نماید پرسش از نوع دین است و به دیگر سخن حاکمیت بر پایه کدام دین خواهد بود؟ برابر آموزه‌های قرآن کریم از آن جا که اسلام تنها دین مورد پذیرش نزد پروردگار است؛ ناگزیر حاکمیت دینی هم بر اساس اسلام خواهد بود؛ چنان که برابر یافته‌های پژوهش خدای سبحان در آیاتی از قرآن از این فراگیری اسلام خبر داده است اما سایر ادیان از بین رفته یا حداقل هیچ ظهور و بروزی نخواهند داشت زیرا پیروان اندک آن‌ها مجال عرض اندام نخواهند داشت. روش تحقیق آمیزه‌ای از روش‌های نقلی، تاریخی و تحلیل محتوا است.

واژگان کلیدی:

دین، ادیان، اسلام، فراگیری اسلام، پایان تاریخ، عصر ظهور.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (rezamahtab52@yahoo.com).

مقدمه

آگاهی از فرجام سرنوشت بشر و رخدادهای پایان تاریخ از اساسی‌ترین نیازهای انسان است که همواره بشر به مقتضای حب ذات و طبیعت جستجوگرش در پی رازگشایی از این مرحله تاریخ خویش بوده است. از آن جا که انسان همواره به حکم فطرت خویش به دنبال حیات دین‌مدارانه است؛ نوع دین در این فراز تاریخ از جمله پرسش‌هایی است که شایسته یافتن پاسخی مناسب است. به دیگر سخن با نظر به تعدد ادیان و به صحیح‌ترین بیان تعدد پیروان ادیان سرانجام کدام دین بر سایر ادیان سیطره یافته و فراگیر می‌شود؟ چه بسا پاسخ یافتن چنین پرسشی، انسان را در یافتن مسیر درست زندگی امروزی مدد رساند زیرا سیطره دین در پایان تاریخ نشان از حقانیت و جاودانگی آن دارد. ادیان آسمانی و نحله‌های فکری هر کدام به نوعی پاسخ‌گوی این پرسش ناگزیر بوده‌اند. چنان‌که هر یک نیز تصویری از آینده را برای پیروان خود ترسیم نموده و ویژگی‌های آن را برشمرده‌اند تا از این رهگذر روح بی‌قرار او را به ساحل امن و آرامش رهنمون شوند. پایان تاریخ به مفهوم فرجام سرنوشت زندگی انسان در کره‌ی خاکی همواره ذهن و زبان انسان‌ها را به خود مشغول داشته و گاه با نگرانی و دلواپسی مطرح می‌شود. بشر خسته از ناملایمات، نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها همیشه در انتظار برجیده شدن این تباهی‌ها و سیاهی‌ها و برپایی عدل و داد به دست منجی موعود به سر می‌برد. رخدادهای گوناگون در سده‌های اخیر به‌ویژه در دهه‌های پایانی قرن بیستم، ذهن اندیشمندان جهان به‌ویژه اندیشمندان غربی را بیش از پیش به سمت و سوی گفت‌وگو از پایان تاریخ و رخدادهای آن سوق داده است. از نگاه اندیشمندان غربی، نظام لیبرال دموکراسی به معنای ظهور کامل‌ترین و آخرین دستاورد فرهنگی و مدنی بوده و پایان تاریخ را نوید می‌دهد؛ از این رو به زعم آنان بشر امروزی ناگزیر از تن دادن به آن می‌باشد. ولی در برابر، از نگاه آموزه‌های وحی، پایان تاریخ به مفهوم پایان عصر سیاه و سلطه زورمداران و مستکبران و قدرت یافتن مستضعفان و صالحان در سراسر گیتی است و سرانجام با سیطره دین حق و فراگیری آن در پهنه هستی نور حق در سرتاسر جهان گسترده می‌شود. این مهم در پژوهش حاضر با مراجعه به منابع تفسیری و روایی فریقین و تحلیل و تبیین آیات و روایات و دیدگاه‌های مفسران فریقین به آزمون سپرده شده است. کوشش‌های مفسران و محققان در این موضوع قابل ستایش بوده ولی این تلاش‌های ارزنده ما را از بازخوانی آیات مربوط به رخدادهای پایان تاریخ به‌ویژه سیطره دین بی‌نیاز نمی‌سازد.

آیه ۳۲-۳۳ سوره توبه

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۲-۳۳)؛

می‌خواهند نور خدا را با دهان‌های خود خاموش کنند ولی خداوند نمی‌گذارد تا این که نور خود را کامل کند و هرچند کافران خوش ندارند. او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هرچند مشرکان خوش ندارند.

از جمله آیاتی که می‌توان در موضوع پایان تاریخ از آنها بهره برد، آیات با محوریت «اظهار دین و سیطره اسلام» است. در چند مورد از آیات قرآن از جمله آیات یاد شده سوره توبه، خداوند از سیطره دین اسلام و غلبه آن بر همه ادیان خبر داده است. پس از بررسی واژگان، به تفسیر مفاد آیه خواهیم پرداخت.

مفهوم‌شناسی

«یأبی»؛ فعل مضارع از ریشه «اباء» به معنای شدت امتناع است. راغب، نسبت اباء و امتناع را این‌گونه بیان می‌کند: هر ابائی امتناع است ولی هر امتناعی اباء نیست چون در این واژه شدت نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸).

«یتم»؛ تمام چیزی، رسیدن آن به حدی است که نیازی به چیزی بیرون از خود ندارد (همو، ۱۶۸). مراد از آن در آیه شریفه این است که خداوند نور خود را به نهایت می‌رساند. به تعبیر برخی از مفسران، آن قدر آن را زیاد می‌کند تا به نهایت اشراق و نورانیت برسد (زمخشری، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۶۵).

«یظهره»؛ از ریشه «ظهر» است که در اصل به معنای پشت است و معانی دیگر از این معنا گرفته شده‌اند. در آیه مزبور سه معنا محتمل است: نخست؛ به معنای بروز و آشکار شدن باشد. دوم؛ غلبه دادن و پشتیبانی کردن باشد که خداوند دینش را بر همه ادیان غلبه می‌دهد. سوم؛ مطلع کردن باشد (راغب، ۱۴۱۲، ۵۴۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۴، ۵۲۰ و ۵۲۵). چنانچه این واژه با «علی» متعدی شود متضمن معنای نصرت و برتری دادن می‌باشد (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۱۰، ۷۴). از همین رو معنای غلبه و برتری دادن در آیه، مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ چون که معنای آشکار کردن نیز به این معنا نزدیک بوده و نتیجه آن دو یکی است. و معنای سوم در صورتی درست است که ضمیر منصوب «ه» در «لیظهره» به «رسول» بازگشت کند؛ بدین معنا که رسول

را بر همه ادیان (اگر «ال» در «الدین» جنس باشد) یا بر همه شرایع دین حق (چنانچه «ال» عهد باشد) مطلع کند. اما همان‌گونه که برخی از مفسران نیز گفته‌اند بازگشت ضمیر به «دین الحق» کامل‌تر و با سیاق آیه سازگارتر است (ثعالبی، ۱۴۱۸: ج ۳، ۱۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۹، ۲۴۷). چون که مقایسه بین ادیان و سخن از سیطره بر ادیان دیگر است که با بازگشت ضمیر به دین حق این مقصود حاصل می‌شود. چنان‌که رویارویی شدید کافران و مشرکان (که در دو آیه اشاره شده است) با دین حق نیز با این معنا مفهوم پیدا می‌کند. و از نگاه ادبی نیز، ضمیر به آن‌چه نزدیک‌تر است بازگشت کند بهتر از بازگرداندن آن به مرجع دورتر است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۷، ۱۸۴). «و مقصود از آن دین اسلام است که خداوند آن را بر همه ادیان غلبه داده و آن را فراگیر می‌کند» (سمرقندی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۵۴؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۰، ۷۴؛ مغنیه، ۱۹۸۱: ج ۴، ۳۳-۳۴). مفسران این معنا را مربوط به آخرالزمان دانسته و در ذیل آیه از چگونگی پیروزی کامل دین اسلام بر سایر ادیان بحث کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۴، ۱۱۹-۱۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ج ۲، ۳۳۸). روایات اهل بیت علیهم‌السلام، این آیه را درباره امام مهدی عجل‌الله‌تعالی دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ج ۲، ۳۳۷-۳۳۹).

سایر واژگان آیه شریفه معنای روشنی دارند که در ارتباط با موضوع پژوهش نیازی به تفسیر و تحلیل ندارند و در گفت‌وگوی مفسران، مفهوم آنها روشن می‌شود.

بحث و بررسی

از موارد قابل توجه در تفسیر این آیه همسانی دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت در تطبیق آیه بر پایان تاریخ و به طور مشخص بر مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی است.^۱ هرچند دیدگاه هر یک از فریقین تفصیلی دارد اما در نهایت ارتباط آن با پایان تاریخ مورد اتفاق هر دو گروه است. هم‌از این‌رو از بررسی جداگانه دیدگاه‌های مفسران فریقین عبور می‌کنیم و به مقداری که با موضوع نوشتار ارتباط پیدا می‌کند، دیدگاه مفسران را بررسی و تفصیل آن را به منابع مبسوط ارجاع می‌دهیم.

مقصود از «نور» در آیه شریفه دین اسلام است (مغنیه، ۱۹۸۱، ج ۴، ۳۳) که در آیه بعد با تعبیر «بالهدی و دین الحق» آمده تا به برتری اسلام اشاره کند و کنایه از این باشد که پیروان

۱. برای تفصیل دیدگاه‌ها ر.ک: «بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و...»، صص ۳۴-۸۲ (نजारادگان، ۱۳۸۹: ۳۴-۸۲).

ادیان دیگر بر هدایت نبوده و راه باطل را می‌پیمایند (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۱۰، ۷۴). خداوند وعده داده است برخلاف تلاش‌های مخالفان آن را بر همه ادیان پیروز گرداند و تنها دین فراگیر در پهنه گیتی باشد. براساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام و گفته‌های مفسران امامیه و عامه این بشارت الهی در پایان تاریخ محقق خواهد شد (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ۳۲۰؛ ملا حویش، ۱۳۸۴، ج ۶، ۲۸۴). چنان که تجربه تاریخی هم تا به حال این‌گونه بوده است. زیرا هنوز دین اسلام در سراسر زمین فراگیر نشده است. به‌رغم برخورداری دشمنان از انواع امکانات و تلاش‌های گوناگون‌شان در مبارزه با اسلام، روزبه‌روز شاهد گسترش اسلام و اسلام‌خواهی در جهان هستیم. این وعده تخلف‌ناپذیر الهی در آیات متعددی از قرآن است که آموزه‌های رسول خدا و دین اسلام، سرانجام سرتاسر جهان را فرا خواهد گرفت؛ زیرا براساس سنت الهی، ادیان آسمانی تکمیل‌کننده هم بوده و با آمدن آخرین شریعت سایر ادیان منسوخ شده و دین واحد به عنوان تنها دین الهی به منصفه ظهور خواهد رسید. تعبیر از دین اسلام به نور خدا و تلاش‌های مخالفان به فوت کردن با دهان برای خاموش کردن نور خدا، نشان از عظمت و قوت و استحکام اسلام و بی‌حاصل بودن کوشش‌های مخالفان دارد. برخی از مفسران گفته‌اند:

[مقصود از] نورالله توحید است که روزبه‌روز ظاهرتر و آشکارتر می‌شود، هرچه آثار قدرت و علم و حکمت در مخلوقات بیشتر کشف می‌شود معرفت به توحید زیادتر می‌گردد، کفار می‌خواهند با این مزخرفات و ترهاتی که از دهان خود می‌بافند نور خدا را خاموش کنند ﴿وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ﴾ [غافل از این که] خداوند نور خود را تمام ترمی فرماید. (طیب، ۱۳۶۴: ج ۶، ۲۱۰).

کوتاه سخن آن که تنها دین نجات‌دهنده انسان از تاریکی‌ها و اعتقادات باطل، دین اسلام است. تعابیری چون نور خدا و دین حق گویای این حقیقت است. آیه شریفه با بشارت به مؤمنان و آزاداندیشان جهان مبنی بر پیروزی اسلام بر همه ادیان و مکاتب بشری نور امید را بر دل‌ها می‌تابد و مهم‌تر این که این پیروزی با پشتیبانی خداوند به رغم خواست کفار و مشرکان جامه عمل پوشیده، به سرانجام خواهد رسید. با تدبیر در آیه شریفه به نکات دقیق و لطیفی درباره پایان تاریخ می‌توان دست یافت که این مختصر گنجایش همه این مطالب را ندارد و شایسته است طالبان حقیقت با مراجعه به تفاسیر و تدبیر در آیه شریفه و آیات مشابه به این نکات دست پیدا کنند. مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت با استناد به روایات یا گفتار مفسران از صحابه و تابعین، آیه شریفه را درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف دانسته‌اند (قمی، ۱۴۰۴:

ج ۱، ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ج ۵، ۳۸؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۸، ۱۲۱-۱۲۲؛ ابوحنیفه اندلسی، ۱۴۱۲: ج ۵، ۴۰۶).

اظهار دین حق

بی‌شک روشن ساختن چگونگی اظهار دین حق، در تفسیر آیه و تعیین دیدگاه صواب بسی اثرگذار خواهد بود. ابهام در مفهوم اظهار و چگونگی تحقق آن، سبب طرح دیدگاهی از سوی برخی مفسران شده است که در نهایت بی‌آنکه متوجه باشند مقصود آیه را هم در پرده ابهام برده‌اند.

اظهار به معنای اطلاع

اختلاف در معنای اظهار، به اختلاف در تعیین مرجع ضمیر مفعولی در فراز «لیظهره» بازگشت می‌کند. برخی - البته - به صورت احتمال، ضمیر را به رسول خدا برگشت داده، منظور از آن را آگاه کردن رسول خدا از همه شرایع دانسته‌اند. این دیدگاه مبتنی بر نقلی از ابن عباس است که وی در تفسیر آیه می‌گوید:

خداوند پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد؛ تا آنکه پیامبرش را از همه شرایع آگاه سازد و خداوند چنین دانشی را به ایشان داد و هیچ امری از آیین‌ها بر ایشان پنهان نماند. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۶، ۱۷۸۶)

گویا با آگاهی از آن ادیان بر آنها غلبه کرد و آن ادیان و پیروان‌شان مغلوب دانش پیامبر شدند. این دیدگاه چنان‌که اشاره شد با اشکالات فراوانی روبه‌روست؛ از آن جمله روایت مورد استناد با سیاق آیات موافق نیست؛ چون‌که در آیه پیشین سخن از تلاش کافران برای خاموش کردن نور خدا (دین اسلام) بود در حالی‌که اراده حق تعالی بر اتمام این نور تعلق یافته؛ و در بخش پایانی آیه سیطره دین حق را سبب ناخرسندی مشرکان دانسته است اما آیا آگاهی رسول اکرم ﷺ از ادیان و شرایع، مایه ناخشنودی کفار و مشرکان خواهد شد؛ آن‌هم به‌گونه‌ای که به خاموش کردن آن مصمم شوند؛ چنان‌که از سیاق آیه هم می‌توان دریافت که پس از گسترش دین حق، مشرکان و کافران در خاموش کردن آن کوشش فراوان دارند. این تلاش برای جلوگیری از گسترش دین حق است، که سرانجام با سیطره آن، کوشش کافران ناکام خواهد ماند. این سیاق با این دیدگاه توافق ندارد. افزون بر این با اشکالاتی روبه‌روست که در صفحات ۷۳ و ۷۴ کتاب ارزشمند «بررسی تطبیقی آیات مهدویت» به تفصیل آمده است.

اظهار به معنای سیطره

این دیدگاه آیه را بر پایه ارجاع ضمیر مفعولی «لیظهره» به «دین الحق» معنا می‌کند. آلوسی ضمن اشاره به هر دو ارجاع گفته است:

بیشتر مفسران به «دین الحق» ارجاع داده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۲۷۸).

بر این اساس دو احتمال در معنای آیه تصور می‌شود:

نخست: دین حق با حجت و برهان بر سایر ادیان غلبه می‌کند. برخی از مفسران اهل سنت به این احتمال گرایش پیدا کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ج ۲۲، ۲۵۴؛ قرطبی، همان، ج ۸، ۱۲۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ۵۴).

دوم: با قهر و استیلاء (فخر رازی، ۱۴۱۵: ج ۱۶، ۳۲-۳۴). بیشتر مفسران غلبه دین اسلام با حجت و برهان و قهر و استیلاء بر سایر ادیان را در کنار هم آورده‌اند که نشان از پذیرفتن هر دو احتمال دارد (طوسی، ۱۴۱۹: ج ۵، ۲۰۹؛ طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ۳۸؛ فخر رازی، ج ۱۶، ۳۲-۳۴؛ زحیلی، ۱۴۲۱: ج ۶، ۲۶۵؛ مراغی، بی تا: ج ۱۰۵، ۱۰۵) چنان که معنای لغوی ظهور هم با این معنا موافقت دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ۱۸۲؛ عسکری، ۱۴۱۲: ۳۸۹-۳۹۰). برخی از قرآن پژوهان معاصر به رغم تلاش‌های ارزنده در تفسیر آیه شریفه، در بیان احتمالات و استناد آن به مفسران به خطا رفته‌اند، از آن جمله احتمال اول را به مفسرانی نسبت داده‌اند که دیدگاه‌شان متعین در آن نیست (نजारادگان، ۱۳۸۹: ۷۶). مفسران گروه اول، مدلول آیه را تحقق یافته پنداشته‌اند. چون که نتیجه پذیرش آن احتمال، التزام به این است که دین اسلام با ظهور خود و از زمان رسول خدا با حجت و برهان بر ادیان دیگر غالب شد. فخر رازی گفته است:

اظهار و غلبه بر چیزی به سه وجه ممکن است. با حجت و برهان، با کمیت و کثرت، با قهر و استیلاء. غلبه این دین با حجت و برهان غیر قابل انکار و از همان ابتدا محقق است؛ بنابراین ظهور اسلام بر سایر ادیان با غلبه و استیلاء است. چون که بشارت به امری تعلق می‌یابد که در آینده مجال ظهور یابد؛ در حالی که غلبه با حجت و برهان از همان ابتدا محقق بوده است. (فخر رازی، ۱۴۱۵، ج ۱۶، ۳۲-۳۴)

همین بشارت را دلیل بر معنای دوم - غلبه با قهر و استیلاء - می‌داند اما به نظر می‌رسد با در نظر داشتن این نکته که غلبه دادن دین حق بر ادیان دیگر، نه به صورت ناگهانی بلکه به تدریج صورت خواهد گرفت، از این رو این مهم با بهره جستن از عموم این موارد محقق خواهد

شد. به رغم این احتمالات در معنای «اظهار» بیشتر و بلکه عموم مفسران؛ تحقق وعده الهی در آیه را در پایان تاریخ دانسته‌اند؛ به ویژه تفاسیری که صبغه روایی دارند و با استناد به روایات، «اظهار» را به مفهوم سیطره کامل دین اسلام، به گونه‌ای که دین واحد جهانیان باشد معنا کرده‌اند (عروسی حویزی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۲۱۱-۲۱۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۳۱-۲۳۲). روشن است این مهم، تاکنون واقع نشده است. بنابراین، برداشت مفهوم پایان تاریخ از آیه مورد اتفاق فریقین است. هم‌چنین مفسران فریقین سیطره دین اسلام بر همه ادیان را در پایان تاریخ و به گاه ظهور مهدی موعود علیه السلام به همراه عیسی مسیح علیه السلام می‌دانند (عروسی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۲۱۱-۲۱۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۳۱-۲۳۲). افزون بر این، بر اساس سنت‌های اجتماعی خداوند، سرانجام دین حق بر همه ادیان سیطره یافته و برابر سنت تکامل تاریخ دین واحد جهانی خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۷، ۳۷۰-۳۷۱). در روایاتی از فریقین از جهانی شدن دین اسلام و التزام عموم بشر به احکام نورانی اسلام خبر داده‌اند. عیاشی از عبایه نقل می‌کند که از امیرمؤمنان علی علیه السلام شنیده که درباره آیه ۳۳ سوره توبه فرمود:

آیا این سیطره تحقق یافته است؟ مردم گفتند: آری، حضرت فرمود: چنین نیست، سوگند به آن که جانم به دست اوست، این وعده آن‌گاه تحقق می‌یابد که هیچ آبادی نباشد جز آن که در آن بامداد و شامگاه شهادت بر یگانگی الله سر دهند (عیاشی، بی تا: ج ۳، ۱۵۸).

همو از ابی المقدم از امام باقر علیه السلام درباره فراز «لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» می‌نویسد:

يكون أن لا يبقى أحد إلا أقر محمد صلى الله عليه وآله (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۲۳۰)؛

[روزی] چنین خواهد شد که هیچ‌کس نیست جز آن که به رسالت حضرت محمد صلى الله عليه وآله، اقرار می‌کند.

همچنین در روایات اهل سنت مقداد بن اسود از پیامبر صلى الله عليه وآله نقل می‌کند:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: لا يبقى على وجه الأرض بيت مدر ولا وبر إلا دخلته كلمة الإسلام يعزّ عزيزا، و يذلّ ذليلا إما يعزهم الله فيجعلهم من أهلها وإما يذلهم فيدينون لها (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۴، ۱۲۰)؛

از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله شنیدم که فرمود: هیچ خانه گلین و خیمه موبین نیست جز آن که خداوند آیین اسلام را در آن وارد می‌کند که یا عزت مند می‌کند عزیز را [که خود دین را انتخاب کرده است] و یا خوار می‌کند ذلیل را؛ یا خداوند آنان را عزیز کرده از اهل اسلام قرار می‌دهد و از اسلام عزت می‌گیرند و یا ذلیل شان می‌کند تا به دین [حق] گردن نهند.

و نیز قرطبی از سُدی نقل کرده است:

ذاك عند خروج المهدي، لا يسبق أحد إلا دخل في الإسلام أو أدى الجزية (قرطبي، ۱۴۰۵: ج ۸، ص ۱۲۲)؛

و این امر - اظهار و سبطره دین - هنگام ظهور مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى خواهد بود که هیچ کس باقی نمی ماند جز آن که اسلام را می پذیرد یا جزیه می پردازد.

غیر از فراز آخر که دیدگاه شخصی سُدی می باشد، این دیدگاه هم سو با روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می باشد.

از آن جا که مضمون این روایات در احادیث فریقین به تعداد فراوان آمده و مورد استناد و مورد قبول علما واقع شده است؛ صدور این روایات و محتوای آنها امری مسلم و غیر قابل تردید و انکار است.

برخی مفسران با نظر به سیاق آیات سوره فتح - که درباره صلح حدیبیه است - گفته اند:

والظهور (الانتصار) مرّه یکون بالحرب، و مرّه عن طریق الصلح، والربّ هو الذی أمر الرسول بالصلح مع المشرکین، و هو تکفّل بإظهار دینه و رسوله و المؤمنین به علی سائر الدیانات و الأمم (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۱۳، ۳۴۴)؛

ظهور (پیروزی)، گاهی با جنگ به دست می آید و گاه دیگر از مسیر صلح حاصل می شود. پروردگار، خود رسولش را به صلح با مشرکان فرمان داد. و او عهده دار اظهار دین و رسولش و از این رهگذر اظهار مؤمنین بر همه ادیان و امت هاست.

فخر رازی می نویسد:

وأكثر المفسرين على أن الهاء في قوله لِيُظْهِرَهُ راجعة إلى الرسول، والأظهر أنه راجع إلى دين الحق أي أرسل الرسول بالدين الحق ليظهره أي ليظهر الدين الحق على الأديان، وعلى هذا فيحتمل أن يكون الفاعل للاظهار هو الله، و يحتمل أن يكون هو النبي أي ليظهر النبي دين الحق؛ (فخر رازی، ۱۴۱۵: ج ۲۸، ۸۸)؛

بیشتر مفسران [البته این گونه نیست] ضمیر در لیظهره را به رسول بازگشت داده اند، ولی اظهار این است که به دین حق برمی گردد؛ بدین معنا که خداوند رسول را با دین حق فرستاد تا دین حق را بر ادیان دیگر غلبه دهد.

در این صورت دو احتمال در ضمیر فاعلی «لیظهره» وجود دارد؛ نخست: خداوند دین حق را

غلبه می دهد. دوم: پیامبر دین حق را غلبه می دهد.

می‌توان گفت این دیدگاه با بعضی روایات نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام همسو می‌باشد از آن جمله:

قال الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام: منا اثنا عشر مهدياً أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، وآخرهم التاسع من ولدي وهو القائم بالحق، يحيى الله به الأرض بعد موتها، و يظهر به الدين الحق على الدين كله ولو كره المشركون (عروسی حویزی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۲۱۲):

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: دوازده مهدی از ما اهل بیت وجود دارد اول‌شان امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام است و آخرشان نهمین فرزند من، قائم بالحق است، خداوند به وسیله او زمین را پس از مردن زنده می‌کند؛ و به رغم ناخشنودی مشرکان دین حق را به دست وی بر همه ادیان غلبه می‌دهد.

چنان‌که در متن حدیث آمده است اظهار دین به دست مهدی موعود (وصی رسول خدا) انجام خواهد شد.

از امام باقر علیه السلام نیز مشابه همین روایت در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه نقل شده است (همو). چنان‌که روایات دیگر نیز تحقق موعود آیه را با تعبیر هنگام قیام قائم یا مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الکریم بیان کرده‌اند که نشان از تحقق آن به دست ایشان دارد. و از آن‌جا که این مهم به دست وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت می‌پذیرد گویا به دست خود رسول خدا محقق شده است.

خاطر نشان می‌شود مفسران در ذیل آیه ۲۸ سوره فتح سخن تازه‌ای، افزون بر آن‌چه در ذیل همین آیه گفته‌اند بیان نکرده‌اند جز این‌که در پایان آیه می‌فرماید: (وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) (فتح: ۲۸)؛ و گواه بودن خدا کفایت می‌کند. بدین معنا که خود خدای سبحان بر این وعده پیروزی و غلبه دادن دین حق بر ادیان دیگر گواه است که بدون شک این وعده محقق خواهد شد (مراغی، بی‌تا: ج ۲۶، ۱۱۳). این تعبیر تأکید بر این وعده است تا غبار هرگونه تردیدی را بزدايد. مفسران نیز به همین مقدار بسنده کرده‌اند.

اما در تفسیر آیه ۸ سوره صف به نکاتی اشاره کرده‌اند، از جمله در تفاوت فراز «يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ» در دو آیه گفته‌اند:

«لام» در این آیه زائد است، و معنای تأکید در اراده را می‌رساند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۳، ۲۳۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ج ۷، ۴۶؛ فخر رازی، ۱۴۱۵: ج ۲۹، ۵۲۹).

و راغب می‌نویسد:

قال تعالى: ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ﴾ (توبه: ۳۲)؛ ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ﴾ (صف: ۸) و الفرق بين الموضعين أنّ في قوله: ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا﴾ يقصدون إطفاء نور الله، وفي قوله: ﴿لِيُطْفِئُوا﴾ يقصدون أمرا يتوصلون به إلى إطفاء نور الله (راغب، ۱۴۱۲: ۵۲۲)؛ تفاوت این دو تعبیر در این است که در اولی می خواهند نور خدا را بدون واسطه خاموش کنند. اما در دومی با واسطه می خواهند خاموش کنند.

صاحب الفرقان نیز ذیل آیه به همین نکته اشاره کرده‌اند (صادقی، ۱۳۶۵: ج ۲۸، ۳۱۳). برخی هم «لام» را برای علت گرفته و گفته‌اند:

افترا می‌بندند تا نور خدا را خاموش کنند (حائری، ۱۳۷۷: ج ۱۱، ۱۳).

در تفاسیر روایی شیعه «نور» در آیه را با استناد به آیه ۸ سوره تغابن به ولایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ تأویل برده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ج ۵، ۱۷). این معنا می‌تواند گواه بر این ادعا باشد که غلبه دادن دین جز با ولایت ولی خدا، مجال تحقق نخواهد یافت. پس ناگزیر این وعده در پایان تاریخ و با رهبری وصی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ محقق خواهد شد. نکته پایانی این که چنان که اشاره شد با تعیین معنای «غلبه دادن» در آیه شریفه توجه به این نکته، بسیار مهم است که به نظر می‌رسد غلبه دادن به مفهوم سیطره و گسترش دادن در بیرون و از میان برداشتن رقیب است؛ که با نظر به تعبیر آیه (غلبه دادن بر همه ادیان) این مهم تاکنون محقق نشده و در پایان تاریخ به رهبری ولی خدا و پیشوای معصوم مجال توفیق خواهد یافت. زیرا تصور سیطره کامل دین از سوی حق تعالی بدون رهبری فردی معصوم و منصوب از سوی خدا دشوار و غیر قابل پذیرش است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۹، ۲۵۹-۲۶۶). و این نصرت الهی یا به نسخ شرایع پیشین یا به پیروزی پیروان دین اسلام بر پیروان سایر ادیان و مکاتب یا با برهان و منطق می‌باشد (فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۱۱، ۹۲-۹۳؛ دخیل، ۱۴۲۲: ۲۵۰-۲۵۱؛ زحیلی، ۱۴۲۱: ج ۶، ۲۶۵). اما اشاره رفت که مقصود همه این موارد است.

سیطره تکوینی یا تشریحی

پس از روشن شدن مفهوم اظهار، پرسشی پیش می‌آید که آیا این سیطره، تشریحی خواهد بود یا با اراده تکوینی خداوند محقق خواهد شد؟ مفسران گفتار صریحی در این خصوص ندارند. برخی از مفسران به معنا کردن واژه «یابی» به «لایرضی»، «لایرید»،

«یمنع»^۱ و مانند این‌ها بسنده کرده‌اند. علامه طباطبایی رحمته‌الله بیش از دیگران به شرح این فراز و گفته‌اند:

دو آیه ۳۲ و ۳۳ بر این حقیقت دلالت دارند که خداوند می‌خواهد این دین را در جهان بشری گسترش دهد؛ بنابراین، باید برای انجام خواست حق تعالی کوشش و جهاد کرد؛ چه این که اهل کتاب می‌خواهند این نور را با دهان‌شان خاموش کنند، که ناگزیر باید با آنان جنگ کرد تا از این کار دست بشویند و تسلیم شوند و جزیه بپردازند و به خواست و مشیت خدا هر فتنه‌ای شود به سود مؤمنان و زیان کافران خواهد بود. بنابراین، مؤمنان نباید سستی کنند یا غمگین شوند، چرا که آنان برترند اگر مؤمن باشند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۹، ۲۴۷).

هرچند علامه تصریح به اراده تشریحی خداوند نکرده‌اند؛ اما برخی از قرآن پژوهان معاصر، احتمال اراده تشریحی را از گفتار علامه برداشت کرده‌اند. بدین معنا که خداوند انشای حکم و ابلاغ آن را فراهم کرده و تحقق آن را به عهده مکلفین گذاشته است (نजारزادگان، ۱۳۸۹: ۴۹). اما به نظر می‌رسد این برداشت درست نباشد؛ زیرا اگر به معنای اراده تکوینی خداوند هم باشد، باز مانع از کوشش مکلفین در جهت فراهم آوردن زمینه‌های لازم نخواهد بود و دست‌کم وظیفه مکلفین را در دفاع از دین خدا از دوش آنان برنخواهد داشت و این تلاش‌ها در نتیجه بخشی نسبت به فراگیری دین حق، بی‌اثر نخواهند بود. بنابراین با این توضیح نمی‌توان از گفتار علامه، اراده تشریحی را برداشت کرد. چنان‌که اراده خداوند نسبت به بنی اسرائیل هم منوط به صبر آنان بود. چون که موسی علیه‌السلام از قوم بنی اسرائیل خواست تا از خدا یاری جسته و صبر پیشه کنند تا زمین را به ارث برند:

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف: ۱۲۸).

مددجویی از پروردگار، بردباری و پرهیزگاری از مؤلفه‌هایی هستند که در این آیه بر بنی اسرائیل تکلیف شده است. اما برخی از مفسران با معنا کردن «اباء» به منع و امتناع، برداشت ادعای جبری‌ها به معنای کراهت را نفی کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۶: ج ۵، ۳۸؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۰۴). به نظر می‌رسد براساس سنت‌های اجتماعی خداوند، سرانجام دین حق بر

۱. برای مشاهده معانی مذکور رک: التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ۲۲؛ روح البیان، ج ۳، ۴۱۶؛ التفسیر الوسیط، ج ۶، ۲۶۴؛ من هدی القرآن، ج ۴، ۱۶۱.

سایر ادیان سیطره یافته و به کمال و تمام، منتهی خواهد شد. چنان که برخی از مفسران نیز آیه را این گونه معنا کرده‌اند (سید قطب، ۱۴۰۰: ج ۳، ۱۶۴۳؛ زحیلی، ۱۴۲۱: ج ۶، ۲۶۴). شاید تعبیر «اتمام» هم گویای همین معنا باشد که خداوند دین حق را به اتمام خواهد رساند و اتمام آن به فراگیری و نفی دیگر ادیان و سیطره بر همه ادیان خواهد بود و گویی بدون آن نقصی در فرآیند دینی پیش می‌آید که دامن کبریایی از آن منزه است.

به هر روی سیطره دین حق با پشتوانه منطق قوی برای نفوذ در دل‌ها و پشتیبانی اجرایی برای گسترش دستورات حیات بخش آموزه‌های وحی بدون تساهل و تسامح و البته به همراه روش‌هایی به دور از خشونت‌های برخی فرقه‌های مدعی اسلام واقعی^۱ در سایه هدایت‌های رهبری معصوم از خاندان پیامبر مهر و رحمت محقق خواهد شد.

فرجام ادیان

در این جا پاسخ به این سؤال ضروری جلوه می‌کند که آیا ادیان دیگر به کلی نابود می‌شوند یا مقهورانه باقی می‌مانند؟ هر دو احتمال با شواهد قرآنی و روایی قابل طرح و بررسی است. بیشتر مفسران پاسخ این پرسش را فرو گذاشته و پاسخی به آن نداده‌اند اما برخی با پذیرش بقای مقهورانه در جواب آن نوشته‌اند:

ولیس الإظهار هو الإحماء حتى لا يبقی دین إلا وهویفی، وإنما هو الغلبة علی الخصام رغم وجودهم، و لكنهم ضعفاء هزلء متخالفون مع بعض متعادون: من اليهود: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ... وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْمُفْسِدِينَ» (مائده: ۶۴) و من النصارى: «وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى.. فَأَعْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يَنْبَغُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (مائده: ۱۴).

و أما من سواهم من ملیین و مشرکین و مادیین فلا نعرف عنهم فی دولة القائم شیئا، هل هم كذلك کائنون علی ضعف أم بائدون، وإن ما نعرفه هو ظهور دین الحق علی الدین کله، و علّه یلمح إلى وجود الدین کله حتی یظهر الإسلام علی الدین کله (صادق، ۱۳۶۵):

۱. با تأسف فراوان، در طول تاریخ اسلام شاهد شکل‌گیری فرقه‌هایی تندرو مانند خوارج، سلفی‌ها و گروه‌های تکفیری وابسته به بعضی فرقه‌های دنیای اسلام بوده‌ایم که به دلیل جدا شدن از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، ناگزیر به کج فهمی در دین دچار شده و با سلیقه شخصی در پی اجرای دستورات دین برآمده‌اند که زیان‌ها و آسیب‌های آنان بیشتر از دشمنان بیرونی اسلام بوده و چهره خشنی از اسلام را به نمایش گذاشته‌اند.

ج ۲۷، ۲۰۸)؛

و اما اظهار به معنای محو و نابود کردن نیست، به گونه‌ای که چیزی از آن ادیان باقی نماند. بلکه به رغم وجود ادیان، اسلام بر آنها سیطره می‌یابد. و آنها در موقعیت ضعیف بوده و پیروان‌شان تا دامنه قیامت باهم دیگر به مخالفت و دشمنی می‌پردازند. چنان که خدای سبحان در آیه ۶۴ سوره مائده از دشمنی یهود خبر می‌دهد: و یهود گفتند: ... و تا روز قیامت میان‌شان دشمنی و کینه افکنندیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت. و در زمین برای فساد می‌کوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد. و در آیه ۱۴ همان سوره از دشمنی مسیحیان: «و از کسانی که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، ... و ما [هم] تا روز قیامت میان‌شان دشمنی و کینه افکنندیم، و به زودی خدا آنان را از آن چه می‌کرده‌اند [و می‌ساخته‌اند] خبر می‌دهد.

اما جز اینها، از وجود مکاتب بشری، مشرکان و مادیون در دولت قائم (مهدی موعود در پایان تاریخ) چیزی نمی‌دانیم. آیا آنها هم با ضعف و خواری می‌مانند یا نابود می‌شوند، روشن نیست. آن چه روشن است سیطره دین حق بر همه ادیان است. شاید این تعبیر به وجود ادیان اشاره دارد که در نهایت اسلام بر همه آنها پیروز می‌شود.

علامه طباطبایی می‌نویسد:

و المراد بالدين كله كل سبيل مسلوک غير سبيل الله الذی هو الإسلام (طباطبایی، ۱۳۹۳:

ج ۱۹، ۲۵۵)؛

و مراد از همه ادیان هر مسلکی جز سبیل الله که همان اسلام است می‌باشد.

برپایه این دیدگاه همه ادیان، حتی ادیان غیر آسمانی هم از میان خواهد رفت. از این بیان روشن شد که برابر روایت قرآن دین یهود و مسیحیت در موقعیت بسیار ضعیفی وجود خواهد داشت. بعضی روایات - در متن پژوهش اشاره شد - نیز که از جزیه گرفتن از برخی مردم خبر می‌دهد گواه بر این برداشت است. به نظر می‌رسد اگر مکاتب و مذاهب دیگر هم وجود داشته باشند، مجال ظهور و عرضه پیدا نخواهند کرد. ابن عاشور نیز پس از معنا کردن اظهار به نصرت و غلبه دادن و بیان حصول غلبه اسلام بر سایر ادیان در زمان حاضر می‌نویسد:

ولا يلزم من إظهاره على الأديان أن تنقرض تلك الأديان (ابن عاشور، ج ۱، ۷۴)؛

و نتیجه غلبه دادن اسلام بر دیگر ادیان به مفهوم نابودی آن ادیان نیست.

روایاتی نیز که از پرداخت جزیه در پایان تاریخ خبر می‌دهند شاهد روایی این ادعا هستند:

بعضی از روایات شیعه و اهل سنت نیز به این معنا اشاره دارند:

عن أبي المقدم عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾
 يكون أن لا يبقى أحد إلا أقر بمحمد صلى الله عليه وآله (عباشي، بی تا: ج ۲، ۸۷)؛
 امام باقر عليه السلام درباره آیه ۳۳ سوره توبه فرمودند: کسی نمی ماند جز این که به محمد صلى الله عليه وآله
 ایمان می آورد.

در روایتی از امام صادق عليه السلام نیز از تأویل آیه سوره توبه در هنگام ظهور و نابودی عموم
 کافران و مشرکان یاد شده که احتمالاً به این معنا اشاره دارد:

عن أبي بصير قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل في كتابه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ
 رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ فقال والله ما نزل
 تأويلها بعد قلت جعلت فداك ومتى ينزل تأويلها قال حين يقوم القائم إن شاء الله فإذا
 خرج القائم لم يبق كافرو ولا مشرك إلا كره خروجه حتى لو أن كافراً أو مشركاً في بطن صخرة
 لقاتل الصخرة يا مؤمن في بطنى كافراً أو مشركاً فاقته قال فيجيئه فيقتله (حسيني
 استرآبادي، ۱۴۰۹: ۶۶۳).

شاید بتوان از فراز آخر حدیث که از کشته شدن هر مشرک و کافری به دست مؤمنان خبر
 می دهد اضمحلال ادیان دیگر را نتیجه گرفت؛ هر چند این دو معنا باهم دیگر ملازمه ای ندارند.
 طبری نیز از ابی جعفر - که به احتمال امام باقر عليه السلام باشد - در تفسیر آیه یاد شده چنین نقل
 می کند:

عن فضيل بن مرزوق، قال: حدثني من سمع أبا جعفر: (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ) قال: إذا
 خرج عيسى عليه السلام اتبعه أهل كل دين (طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۰، ۸۲)؛
 ابو جعفر در تفسیر آیه ۳۳ توبه می فرماید: زمانی که عیسی عليه السلام بیاید پیروان هر دینی از وی
 پیروی می کنند. و چنان که اشاره شد نتیجه این کار پیروی از دین اسلام و از میان رفتن
 ادیان دیگر خواهد بود.

اما با تدبر و تأمل در آیات و روایات شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که دین اسلام بر ادیان
 دیگر غالب شده و دینی فراگیر خواهد شد؛ هر چند پیروان اندکی از ادیان دیگر مقهورانه به دین
 خود باقی خواهند ماند (صادقی، ۱۳۶۵: ج ۷، ۴۳۹)؛ اما دین آنان در سطح جامعه بروز و نمود و
 اثری نخواهد داشت.

چنانکه برداشت مفهوم نابودی مطلق ادیان از واژه اظهار و از روایات یاد شده هم درست به

نظر نمی‌رسد.

جمع‌بندی مطالب

دیدگاه مفسران فریقین در تفسیر آیه از تفاوت اندکی برخوردار بوده و تقریباً هم‌سو با یکدیگر معنا کرده‌اند. به‌رغم همان تفاوت اندک، قدر متیقن از نتیجه دیدگاه‌ها، سیطره دین اسلام در پایان تاریخ و به دست مهدی موعود است. غلبه اسلام بر سایر ادیان، افزون بر برخورداری اسلام از منطق و برهان قوی، با قهر و استیلاء نیز خواهد بود. امروزه سخن از جهانی شدن و رو به وحدت و یکسانی رفتن از روشن‌ترین مباحث علوم سیاسی و اجتماعی و سایر حوزه‌های علوم انسانی شده است. همین امر حکایت از فراهم شدن زمینه‌های تحقق محتوای آیه مبنی بر جهانی شدن دین واحد دارد. روشن است تاکنون دین اسلام بر همه ادیان غلبه نداشته و زمان آن فرا نرسیده است. چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی زمان تحقق آن را به آینده موکول کردند (عیاشی، بی‌تا: ج ۳، ۱۵۸). و روایات فراوانی از فریقین نیز به این مطلب اشاره دارند. به کوتاه‌ترین سخن جهانی شدن دین اسلام و سیطره آن بر همه ادیان، ایده‌ای است که از پشتوانه آموزه‌های آسمانی، روایات معصومین علیهم السلام و تحلیل عقلانی برخوردار است. زیرا افزون بر آیات و روایات، براساس سنت تکامل ادیان آسمانی و تاریخ و هماهنگی با فلسفه آفرینش روزی دین حق ابقا و فراگیر شده و ادیان باطل و منسوخ و مکاتب بشری از میان خواهند رفت و فرآیند تربیت بشر در سایه دینی آسمانی به مرحله کمال و تمام خواهد رسید.

نتیجه‌گیری

پایان تاریخ از آموزه‌هایی است که در شماری از آیات قرآن مورد توجه بوده است. از نگاه آموزه‌های قرآن سیر تکامل تاریخ به پایانی روشن، امیدبخش و با حکومت صالحان و مستضعفان منتهی خواهد شد. برابر آموزه‌های قرآن، مؤمنان شایسته‌کردار در پایان تاریخ با میراث بری سراسر زمین جانشین و وارث داشته‌های کفار شده، جامعه‌ای ویژه تشکیل خواهند داد. مؤمنان پس از گذراندن دوره‌ای سخت-که در ضعف و تقیه خواهند بود- و پیشه کردن صبر بر رنج‌های آن دوره، سرانجام با پشتیبانی خدای سبحان به اوج قدرت رسیده و با پیشوایی و زمامداری جهانیان و پیروزی دین اسلام بر همه ادیان، در امنیت کامل از انواع امکانات نیز برخوردار خواهند شد. روایات اهل بیت علیهم السلام آیات یاد شده را بر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه التقریب و یاران وی تطبیق کرده و از سیطره دین اسلام در سایه رهبری ولی خدا خبر می‌دهند.

در روایتی از امام کاظم علیه السلام دین حق در آیه شریفه به ولایت تفسیر شده است و آن را تنزیل و نه تأویل دانسته است:

عن محمد بن الفضیل عن أبي الحسن الماضي عليه السلام قال: قلت: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ» قال، هو الذي امر رسوله بالولاية لوصيه، والولاية هي دين الحق، قلت: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» قال: يظهر على جميع الأديان عند قيام القائم قال: يقول الله: «والله متم» ولاية القائم «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» بولاية على قلت هذا تنزیل؟ قال: نعم اما هذا الحرف فتنزیل، واما غيره فتأویل (عروسی حویزی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۲۱۲)؛ محمد بن فضیل از امام کاظم علیه السلام از معنای «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ» می پرسد: حضرت پاسخ می دهد: حق تعالی رسول خود را به ولایت برای وصی اش فرمان داد و ولایت همان دین حق است. آن گاه از فراز «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» می پرسد؛ حضرت پاسخ می دهد: هنگام قیام قائم بر همه ادیان سیطره می دهد. خدای سبحان می فرماید: «والله متم» یعنی ولایت قائم را به اتمام می رساند؛ هر چند کافران به ولایت علی علیه السلام خوش نداشته باشند. محمد بن فضیل می پرسد: این معنا تنزیل است؟ پاسخ می شنود، بلی این حرف [ولایت] تنزیل است و اما جز آن تأویل است.

مقصود آن که سیطره دین در سایه ولایت، که از اعتقادات استوار شیعه است مجال تحقق خواهد یافت و سایر ادیان یا به کلی از بین خواهند رفت و یا در صورت بقا مجال ظهور و بروز نیافته و در حکم فنا یافته خواهند بود زیرا دین اسلام فراگیر شده و در هر خانه ای وارد خواهد شد.

منابع

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر ابن ابی حاتم*، به کوشش اسعد محمد، المكتبة العصرية، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، *زاد المسیر*، به کوشش عبدالرزاق، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش شمس الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، *لسان العرب*، ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنبیر*، مؤسسه التاریخ، بی جا، بی تا.
- ابو حیان الاندلسی، محمد بن یوسف، *البحر المحیط*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- آلوسی، محمود، *روح المعانی (تفسیر آلوسی)*، به کوشش علی عبدالباری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- بیضاوی، عبدالله، *تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل)*، به کوشش مرعشلی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
- ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد، *تفسیر ثعالبی (الجواهر الحسان)*، به کوشش عبدالفتاح و دیگران، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
- حائری، سید علی، *مقتنیات الدرر*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، *تأویل الآیات الظاهره*، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ق.
- حقی بروسوی، اسماعیل، *روح البیان*، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- دخیل، علی بن محمد، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، دوم، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۲۲ق.
- راغب، حسین بن محمد، *مفردات*، به کوشش صفوان داودی، دارالقلم، دمشق، ۱۴۱۲ق.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی، *التفسیر الوسیط*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- زمخشری، محمود، *الکشاف*، بلاغت، قم، ۱۴۱۵ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد، *بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)*، به کوشش عمر بن غرامه، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۶ق.

- سید بن قطب، فی ظلال القرآن، دار الشروق، القاهرة، ۱۴۰۰ق.
- السيوطی، جلال الدين، الدر المنثور، کتابخانه مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
- شوکانی، محمد، فتح القدير، دار ابن كثير، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- صادقی، محمد، الفرقان، تهران، فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ش.
- طباطبائی، محمد حسين، الميزان فی تفسیر القرآن، اعلمی، بيروت، ۱۳۹۳ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، تصحيح: محمد باقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد، اول، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان، دار المعرفه، بيروت، ۱۴۰۶ق.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البيان، دار المعرفه، بيروت، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، محمد، التبيان، به كوشش العاملی، دار احیاء التراث العربی، بيروت، ۱۴۱۹ق.
- عبدالحسين طيب، اطيب البيان، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ش.
- العروسی الحویزی، عبدعلی، نور الثقلين، به كوشش رسولي محلاتی، اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳ش.
- العسكري، ابوهلال، معجم الفروق اللغويه، النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی (کتاب التفسیر)، تصحيح: هاشم رسولي محلاتی، المكتبه الاسلامیه، تهران، بی تا.
- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، بيروت، ۱۴۱۵ق.
- فضل الله، سید محمد حسین، من وحی القرآن، دار الملائك، بيروت، ۱۴۱۹ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، الصافي، اعلمی، بيروت، ۱۴۰۲ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، دار احیاء التراث العربی، بيروت، ۱۴۰۵ق.
- قمی مشهدی، محمد، کنز الدقائق و بحر الغرائب، وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۶۸ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، به كوشش الجزائری، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
- کاشانی، فتح الله، زبده التفاسیر، المعارف الاسلامی، قم، ۱۴۲۳ق.
- مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسين علیه السلام، تهران، ۱۴۱۹ق.
- المراغی، احمد بن مصطفى، تفسیر المراغی، دار احیاء التراث العربی، بيروت، بی تا.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.

- مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۱ م.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ملاحویش، عبدالقادر، *بیان المعانی*، مطبعة الترقی، دمشق، ۱۳۸۴ ق.
- نجارزادگان، فتح الله، *بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی در دیدگاه فریقین*، اول، سمت، تهران، ۱۳۸۹ ش.

